

# تداوم مبارزه ملي و تغييرات باروري : فلسطينيها و اسرئيليها در قرن بيستم<sup>(۱)</sup>

« فيليب فارگوس »\*  
ترجمه: محمدولي عليئي

## چکیده

از زمان تأسيس اسرئيل و جذب مهاجران يهودي از سرتاسر جهان به دليل تداوم حاکميت بر سرزمين از طريق تعداد جمعيت در مقابل ملت فلسطين، و درپي آن، حفظ حجم جمعيت از طريق رشد طبيعي و مواليد، «مبارزه و باروري يکي از مسائل اساسي و پيچيده در آنجاست» براي فلسطينيان تعصب در هويت و تصور از مليت، رمز حيات و ماندن است و بنابراین باروري درحد زياده، نتيجه مليت‌پرستي است. کل جمعيت يهوديان ساکن فلسطين قبل از سال ۱۹۱۷ (اعلانيه بالفور) به عدد ۶۰۰۰۰ نفر بالغ نمي‌شده است درحالي که در سه ربع آخر قرن بيستم، اسرئيل بيش از سه ميليون يهودي را در قالب مهاجرت جذب کرده است. اما درحال حاضر، ماشين سني دموگرافيك يهوديان در اسرئيل، که عمدتاً با مهاجرت تغذيه مي‌شود، بطور روزافزوني روبه زوال، و نرخ مواليد هم به‌رغم عوامل تشويقي براي حفظ آن روبه کاهش است. اما از ديد اسرئيل، عربيها با افزايش جمعيت خود احساس افزايش قدرت مي‌کنند و به آينده مبارزات خود اميدوار مي‌شوند (انتفاضه شروع جديدي از اين مبارزات است). در اين تحقيق به جمعيت منطقه و عوامل مؤثر بر ميزان مواليد نزد دو گروه يهودي و فلسطيني نگاهی جمعيت‌شناختي شده است. مقاله زير منتخبي از فصلنامه "پروسي جمعيت و توسعه" زيرنظر بخش جمعيت سازمان ملل متحد بوده و در سپتامبر سال ۲۰۰۰ م به چاپ رسیده است. (۲)

**کلیدواژه‌ها:** مهاجرت، باروري، نرخ کلي باروري (TFR)، نرخ جايگزيني

\* Philippe Fargues

موضوع تغییرات باروری مربوط به جمعیت فلسطین و اسرائیل در نیمه دوم قرن بیستم به نظر می‌آید کمتر مورد توجه تاریخ تغییرات جمعیتی قرار گرفته است؛ اگرچه ساکنان این منطقه ۸/۹ میلیون نفر هستند و فقط ۱/۶ درصد از جمعیت کل جهان را تشکیل می‌دهند. بغیر از تاریخچه سیاسی این جمعیتها که (تعداد) جمعیت نقش مهمی در ساختار ملی هر دو (فلسطینی و اسرائیلی) دارد و بر ابعاد سیاسی مربوط به تغییرات باروری تأثیر می‌گذارد در هیچ جای دیگر دنیا نمی‌توان چنین جمعیتهایی را در کنار هم یافت که در سرزمینی (این چنین) کوچک در محدوده ۲۶۳۵۱ کیلومتر مربع با بیشترین نرخ مجموع فرزندان<sup>(۳)</sup> (TFR) در میان یهودیان متولد اروپا و مسیحیان عرب اسرائیل (به ترتیب ۲/۱۳ و ۲/۱۰ براساس آمارهای ۹۶-۱۹۹۲) در مقایسه با آمارهای ثبت شده در میان فلسطینی‌های نوار غزه که بیشترین نرخ از مجموع فرزندان برای هر زن (۷/۷۳ در سال ۹۵-۱۹۹۱) در سطح جهان را داراست. در این مقاله سعی می‌شود تا تفاوت‌های خیلی زیاد باروری، که در نتیجه مبارزه طولانی میان فلسطینی‌های عرب و یهودیان را که از زمان اعلانیه بالفور<sup>(۴)</sup> در سال ۱۹۱۷ شروع شده است، نشان داده شود و بیشتر مطالعات جمعیت انجام گرفته در سطح ملی، هم از لحاظ عملیات و اجرا (وضعیتی که از جمع آوری آمار و ارقام و هم از ساختار آماری مؤلفه‌های جمعیت ناشی است) و هم به دلایل عقیدتی (جمعیت اساساً تصور و ادراکی از وجود ملیت است) صورت گرفته است. از این رو بیشتر

تحقيقات در باره تغييرات جمعيتي در محدوده نروهاي بين‌المللي صورت مي‌گيرد. چنين وضعيتي در سوابق و ادبيات جمعيتي اسرئيل و فلسطين قابل‌مشاهده است. در اين سوابق، مقايسه‌هايي بين جمعيتهاي اسرئيلي بطورخاص (يهوديان اشكنازي<sup>(۵)</sup> در مقايسه با يهوديان سفارديك<sup>(۶)</sup>)، يهوديان بومي با يهوديان مهاجر - يهوديان با غرييهوديان را در مقابل عربيها - مسلمانان و مسيحيان) يا در قلمرو فلسطينيها (ساحل غربي در مقايسه با نوار غزه - آوارگان در مقابل غيرآوارگان) صورت مي‌گيرد. سرزمين و مرزها دلبستگي و مؤلفه‌هاي اساسي است. درمورد فلسطينيها و اسرئيليها احساس مليت و مهاجرت به درون مرزها به هم گره خورده است. محل اقامت يا سرزمين مادري<sup>(۷)</sup> از يك سو و هويت مورد ادعا از سوي ديگر به صورت يکسان به سرزمين هر فرد اشاره نمي‌کند. يهوديان متعلق به مناطق جغرافيايي مختلف به نام يهوديان اسرئيلي شناخته مي‌شوند و هويت ملي آنها با عربيهاي مقيم، مشترك نيست؛ حال اينکه فلسطينيهاي پراکنده و متفرق در کشورهاي مختلف دنيا صرفاً با هويت فلسطيني شناخته مي‌شوند.

همه يهودي‌هايي که در حوزه قضايي اسرئيل قرار مي‌گيرند (گروه بندي مي‌شوند) مورد حمايت و پوشش سيستم آماري هستند که بين يهوديان و غرييهوديان تفکيک قائل مي‌شود. اما به دلایل سياسي يا عملياتي (آماري) نمي‌توان فلسطينيها را از نظر محل اقامتشان مورد مطالعه قرار داد. زيرا هويت (فلسطيني) آنها انکار شده، و بدون داشتن يك مليت مشخص در سراسر جهان

پراکنده شده اند. سوابق و ادبیات موجود (درباره جمعیت فلسطین) عمدتاً به محل اقامت و ساکنان اصلی، یا اشغال از طریق مهاجرت پرداخته است و پرداختن به مسأله مهاجرت به خارج (مهاجرفرستی) پراکندگی جمعیت و الگوهای جمعیتی مورد اغماض قرار گرفته است. برای مطالعه بهتر و بررسی دقیق (این مسأله) به قلمرو اولیه فلسطین یعنی قبل از سال ۱۹۴۸ می‌پردازیم و روند باروری را بین گروه‌ها و جمعیت‌های کوچکتر یعنی مهاجران و بومیان یهودی ساکن اسرائیل و همچنین عرب‌های ساکن کرانه غربی و نوار غزه را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. درحالی که تجاوز و جنگ<sup>(۸)</sup> با مهاجرت عواملی به هم پیوسته و حل ناشدنی در تاریخ یهود عرب میان فلسطین و اسرائیل است، بررسی و توضیح ارتباط میان جنگ و تجاوز با باروری ضروری به نظر می‌رسد.

در وضعیت «تجاوز جنگ» یا «مبارزه»<sup>(۹)</sup> درمی‌یابیم که تنها مبارزه سیاسی و نظامی اسرائیل علیه مناطق عرب‌نشین و تحرکات فلسطینیان نیست بلکه وجود بی‌اعتمادی میان جمعیت‌های موجود در اسرائیل یعنی بین یهودیان و اعراب ساکن آنجا است. (در این میان) ارتباط میان مبارزه و باروری یکی از مسائل پیچیده و اساسی در آنجا است. مبارزه می‌تواند بر کمیت و کیفیت امکانات و شیوه‌ای که در اختیار فرد است تأثیر بگذارد. در نتیجه عوامل اقتصادی - اجتماعی را، که بر تغییرات باروری مؤثر است، تحت تأثیر قرار دهد. این (مبارزه) همچنین می‌تواند تغییر در ذهنیت و تصوراتی را ایجاد کند که با باروری مرتبط است. «تعصب در

هویت»<sup>(۱۰)</sup> و تصور از ملیت به مثابه يك موجود زمینی در تلاش برای حیات و زنده ماندن، ارتباط زیادی با تجدید نسل دارد. بنابراین فرزندآوری نتیجه ملیتپرستی<sup>(۱۱)</sup> است (مکنیکول ۱۹۹۸). سرانجام، مبارزه و باروری هر دو می‌تواند با مهاجرت ارتباط داشته باشد. باروری با مهاجرت همبستگی دارد و مهاجرت نیز با مبارزه همبسته است اما هر يك از این دو همبستگی با رابطه‌اي دوسویه شناسایی می‌شود. اگر وضعیت باروری میان مهاجران و غیرمهاجران متفاوت باشد به این دلیل است که شرایط تجربه شده نزد دو گروه از محل اقامت آنها متأثر است.

### طبقه‌بندی اطلاعات

اطلاعات و داده‌هاي مربوط به یهودیان، که توسط دولت اسرائیل منتشر می‌شود، معمولاً باروری متفاوتی را برای آنها نسبت به محل سکونتشان بیان می‌کند. فلسطینی‌ها در حال حاضر وضعیت آماری پیچیده‌اي دارند. در طول قرن بیستم آمارهای مربوط به فلسطینیان از منابع متفاوتی گردآوری شده که عبارت است: اتومن (تا سال ۱۹۱۸)؛ بریتانیا (تا سال ۱۹۴۸)؛ منابع اسرائیلی (از سال ۱۹۴۸ برای اسرائیلی‌های عرب، سال ۱۹۶۷ برای شرق بیت‌المقدس، و در خلال سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۲ برای ساحل غربی و نوار غزه)؛ منابع مصری (در نوار غزه ۶۷-۱۹۴۶)؛ منابع اردنی (برای ساحل غربی ۶۷-۱۹۴۹) و منابع فلسطینی (سال ۱۹۹۳ برای

ساحل غربی - «شرق بیبت المقدس را شامل نمی‌شود» و نوار غزه) در ساحل غربی و نواز غزه بین ارقام فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها (از سال ۱۹۹۲ به بعد) مغایرت‌هایی دیده می‌شود. اخیراً (بر اساس تحقیق سال ۱۹۹۵ و سرشماری سال ۱۹۹۷) نکات قابل اعتمادی وجود دارد در حالی که این اطلاعات در آمارهای اسرائیلی‌ها یافت نمی‌شود. شمار و تعداد فلسطینی‌های مقیم توسط منابع اسرائیلی در سال ۱۹۶۷ از تعداد واقعی کمتر گزارش شده است. توزیع سنی آنها نه بر اساس داده‌های ثبت شده واقعی بلکه با استفاده از مدل‌های برآوردی تخمین زده شده است. از سوی دیگر، وقایع حیاتی معمولاً از تحولات دیگر جمعیتی، بهتر ثبت می‌شود. اگر چه برخی منابع (ثبت وقایع حیاتی) موالید را کمتر ثبت می‌کنند (بانک جهانی ۱۹۹۳). بنابراین برآورد نرخهای باروری ویژه سنی (ASFR) برای ساحل غربی و نواز غزه تحت اشغال اسرائیل (دولت اسرائیل ۱۹۸۷ و ۱۹۹۶) به صورت تخمینی است. این وضعیت در خلال سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۷ (بر اساس آمارهای قبلی اسرائیلی‌ها) ادامه دارد، اما با نرخهای سرشماری توسط فلسطینی‌ها در سال ۱۹۹۵ هماهنگی ندارد (خاواجا و دیگران ۱۹۹۶). (۱۲)

در آمارهای مربوط به عربهای ساکن اسرائیل خود شکل دیگری است. در آمارهای اسرائیلی این جمعیت به عنوان عرب شناخته نمی‌شود بلکه با عناوینی چون «دیگران» (۱۳) یا غریب‌هودی معرفی می‌شوند. عناوین برخی از جدولها با گرایشهای مذهبی تهیه می‌شود و آمار جمعیتی غریب‌ودیان (مسلمانان و مسیحی‌ها) تحت عنوان

«دیگران» تهیه می‌شود. در اینجا بحث در باره این واقعیت نیست که به عربها عنوان غریهودی یا عناوین دیگر مذهبی به لحاظ اعتقاداتشان داده نمی‌شود بلکه در اینجا هویت آنها انکار می‌شود که فلسطینی هستند یا عرب. با تکیه بر تفاوت‌های مذهبی، معیارهایی به صورت محرمانه ارائه شد که اتومن<sup>(۱۴)</sup> در نیمه اول قرن نوزدهم (به نام تنظیمات) آن را تنظیم و ارائه کرده بود. ما تنها به این مطلب اشاره می‌کنیم که (تنها) دو عنوان بودن یهودیان - دیگران اسرائیلی‌های عرب را شناسایی نمی‌کند چون نسبت نامشخصی از «دیگران» از اعضای خانواده‌های غریهودی هستند؛ یعنی از مهاجران یهودی بوده و از صهیونسیم رویگردان شده‌اند. این دسته‌بندی متشکل از ۱۲۸۷۰۰ نفر در پایان ۱۹۹۸ یا ۱۰/۲ درصد از جمعیت غریهودیان اسرائیل را تشکیل می‌داد (وضعیت اسرائیل خلاصه آمار ۱۹۹۹ - جدول شماره ۲/۱).

### جمعیت‌شناسی در حال مبارزه

در اعلانیه بالفور که در سال ۱۹۱۷ انتشار یافت، بریتانیا از این هدف حمایت کرد تا در فلسطین «سرزمین ملی یهود» تأسیس شود. این مسأله راه را برای مهاجرت یهودیان به فلسطین با قیومیت بریتانیا هموار کرد. در تعارضات میان یهودی‌ها - فلسطینی‌ها جمعیت‌شناسی همیشه عامل مرکزی تعارضات بوده است. مهاجرت یهودیان و جایگزینی آنان با فلسطینیان باعث شد تا این دو برای حفظ هویت ملی و سرزمین به مبارزه پردازند. بنابراین باروری و

مهاجرت، دو موضوع اصلی از مباحث جمعیتی است که بحث سرزمین و جمعیت را به هم مرتبط می‌سازد. درباره توسعه سیاسی و نظامی و ارتباط آن با مهاجرت و جایگزینی جمعیت، مطالعات زیادی صورت گرفته است. اگرچه محققان بر این مسأله توافق ندارند که موضوع از دو دیدگاه (یعنی وضعیت سیاسی و مهاجرت) مورد مطالعه جمعیت‌شناسی قرار گیرد در مطالعه مسأله باروری هم بر این باور هستند. اینان معتقدند که عوامل مؤثر در رفتارهای جمعیتی در هر جمعیت را باید جداگانه در نظر گرفت. آنان در مطالعه باروری بر کمیت و کیفیت منابع در دسترس افراد یا خانواده‌ها مانند تحصیلات، فعالیت اقتصادی، بهداشت، استقلال خانواده، داشتن اطلاعات و... تأکید دارند. اما باید توجه داشت که مطالعه روابط یک به یک این عوامل با وضعیت باروری در یک جمعیت درگیر مسائل سیاسی دور از واقعیت است. توجه به وضعیت مبارزه میان اسرائیل و فلسطینیان غیرمعمول و متفاوت بودن روند باروری را روشن می‌کند.

تحرکات صهیونیست‌ها (برای یافتن سرزمینی به منظور اسکان) از اواخر قرن ۱۹ آغاز شد و به صورت عینی بیشترین شرایط اسکان را در فلسطین می‌دید. دو موج از مهاجرت یهودیان به فلسطین قبیل از جنگ جهانی اول رخ داد. بسیاری از این مهاجران جزو اعضای سابق مخالفان تاریخی امپراتوری عثمانی<sup>(۱۵)</sup> اتومن در روسیه بودند که مخالف اسکان آنها (در روسیه) بود. بنابراین بعد از اولین کنگره صهیونیست در باسل (۱۸۹۷) به تجزیه فلسطین



مظنون بودند. مهاجران يهودي پس از ورود از اينکه هم مورد استقبال فلسطينيان بومي قرار گرفتند و هم مورد حمايت قدرتهاي بزرگ قرار داشتند، خوشحال بودند. اما چون اطلاعات محدودي (از منطقه) داشتند از تماس با عربها پرهيز مي‌کردند. گرچه مهاجران يهودي در ابتدا از نظر اقتصادي به حمايت بروغريزي بويژه ادموند بارون فرانسوي وابسته بودند، به هر حال توانستند اقتصاد مستقلي را ايجاد کنند و جامعه مستقل يهودي را که با محيط سازگاري داشته باشد تشكيل دهند. (در اين زمان) ناسيوناليست‌هاي عرب عليه يهوديان به پا خاستند و در درگيريهاي ميان آنها در يافا ۴۷ يهودي و تعداد کم‌تري عرب کشته شد. به دنبال آن، تل‌آویو از يافا جدا شد که احساس ضديت با يهود را تشديد کرد. اين درگيري‌ها ريشه اقتصادي و سياسي داشت که از مهاجرات گسترده يهوديان ناشي مي‌شد. (۱۶) پس از توافقات درمورد فلسطين (۴۸-۱۹۲۲) بریتانیا در خلال جنگ جهاني اول قول حمايت از تشكيل دولت مستقل عرب را داده بود اما در تناقض با وعده‌هاي قبلي خود ايجاد يك سرزمين يهودي را در فلسطين ترويج و حمايت کرد. اين اقدام به اجراي مقياس وسيعي از مهاجرت يهودي‌ها به فلسطين منجر شد درحالي که عربها با اين اقدام به مخالفت پرداختند. سياست بریتانیا در واقع باعث جذب سرمايه‌هاي اقتصادي تازه واردین نیز شده بود (Richman, Katz, and Paz 1997). اين سرمايه‌ها در وهله اول باعث اخذ ماليات در سطوحی از اشتغال در ميان مهاجران اخير مي‌شد. در رويارويي با مخالفت عربها از

پرداخت مالیات و بیکار شدن شماری از آنها، بریتانیا در سال ۱۹۳۰ موضوع بیکاری را مورد ملاحظه قرار داد. اما با فشار صهیونیستها این مسأله در سال بعد به فراموشی سپرده شد. با روی کار آمدن نازیها در آلمان و بروز «ضدیت با نژاد سامی»<sup>(۱۷)</sup> در اروپا شمار مهاجران به فلسطین افزایش یافت و بالغ بر ۶۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۳۵ رسید (Mccarty) که در این وضعیت، تنش به بالاترین حد خود رسانید.

آنچه برخی از تاریخنگاران از آن به عنوان شورش و طغیان بزرگ اعراب در سالهای ۳۹ - ۱۹۳۶ نام می‌برند با ترور دو عرب توسط دو یهودی مهاجر انجام گرفت. در نتیجه به افزایش تنفر و انزجار و مقابله با افزایش مهاجرت یهودیان از سوی اعراب منجر شد. نتیجه این مخالفتها ارائه چک سفید<sup>(۱۸)</sup> یا تصویب لایحه ۱۹۳۹ بود که مفاد آن توقف و جلوگیری از مهاجرت یهودیان به مدت ۵ سال همراه با رد ادعای سیاسی اعراب در مورد فلسطین (توسط بریتانیا) شد با طرح این وضعیت که فلسطین (سرزمینی) نه عربی و نه یهودی خواهد بود: سرزمینی است که با دو ملیت در طول ۱۰ سال تأسیس شده است. پس از جنگ جهانی دوم، بریتانیا به ظاهر محدودیتهایی را برای مهاجرت به فلسطین وضع کرد با این حال بین سالهای ۴۶ - ۱۹۴۵، ۲۰۶۰۲ مهاجر یهودی به فلسطین مهاجرت کردند که هیچ یک از آنها غیرقانونی وارد نشده بودند.<sup>(۱۹)</sup> در خلال پایان جنگ جهانی اول تا زمان تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ مجموع مهاجران یهودی

به فلسطين به ٤٨٣ هزار نفر رسيد كه از ميان آنها ٤٥٦ هزار نفر آنها با مجوز دولت انگليس وارد فلسطين شده بودند. (٢٠) اين وضعيت جمعيتنگاري نتيجه قيموميتي است كه به صورت خلاصه مورد بررسي قرار ميگيرد. اولاً تشكيل اسرئيل با حمايت استعمار بریتانیا و ماهيت انگليسي انجام گرفت. ثانياً نسبت يهوديان در جمعيت فلسطين از ١٢/٩ درصد در آغاز قيموميت انگليس به ٣٤/٥ درصد در پايان آن رسيده بود به گونه اي كه مالکيت يهوديان بر سرزمينهاي عربي محور مبارزه قرار گرفته بود؛ از يك سو اسكان يهوديان از سراسر جهان در منطقه در بالاترين حد ممكن و از سوي ديگر حفظ وضع موجود يا كسب حداكثر امتياز. در خلال جنگ ٤٩-١٩٤٨ ارتش اسرئيل، عربها را از صدها شهر و روستا اخراج (Morris 1987) و موقعيت خویش را تقويت كرد و همراه با آن، پروژه هاي استعماري زيادي انجام داد كه هدف آن جابه جايي و جدا كردن جمعيت فلسطين از هم بود. مرز مشتركی يهوديان را از فلسطينيان و به همان ترتيب مسلمانان را از مسيحيان جدا مي كرد و كمترين نشانه قومي باقي نماند. در نتيجه دو جمعيت با نظامهاي تجديد نسل جدا رشد پيدا كردند. اين دو نظام جمعيتي رفتاري مغاير هم داشتند. در ميان يهوديان نرخ متوسط و روبه گاهشي از رشد طبيعي جمعيت وجود داشت كه عمدتاً از طريق مهاجرت تأمين ميشد. در ميان عربهاي فلسطيني نرخ بالا و رو به افزايش رشد طبيعي جمعيت وجود داشت كه بخشي از آن از طريق مهاجرتي جدا ميشد. مرزي دائمي ميان يهوديان و اعراب و مرزي

سیاسی میان اسرائیل و همسایگانش مسدود ماند. بعد از اخراج فلسطینیان در سال ۴۹ - ۱۹۴۸ و جایگزینی مهاجران یهودی از مصر و سوریه به اسرائیل، این مرزها هرگز مجدداً توسط مهاجران طی نشد. در عوض به همه مهاجرانی که از مسافتهای دور آمده بودند مسکن، غذا و وسائل معیشتی داده شد و جمعیت‌های با سطوح متفاوت از باروری را با هم ترکیب کرد. در محدوده عربها، بسته بودن مرز اسرائیل و سپس ایجاد محدودیت در جابه‌جایی و مخالفت در اقامت و سکونت ساکنان، اسرائیل در سال ۱۹۶۷ اقدام به اشغال ساحل غربی و نوار غزه کرد و بدین ترتیب جمعیت (اعراب) به دو جمعیت کوچکتر تقسیم شد که امکان تماس مستقیم با هم را نداشتند. تمرکز و گروه‌بندی مجدد یهودی‌ها و پراکندگی فلسطینی‌ها بر رفتارهای باروری آنها تأثیر گذاشت.

### **الگوی یهودی از همگرایی در باروری**

در پایان جنگ جهانی اول عده کمی از جمعیت یهود در فلسطین زندگی می‌کردند. این جمعیت در سال ۱۹۱۸ به ۶۰ هزار نفر می‌رسید که دو جمعیت کوچکتر را تشکیل می‌داد. نخست جامعه یهودی عثمانی که در زمان تفتیش عقاید از اسپانیا فرار کردند و در قلمرو اتومن پناه گرفتند و حدوداً دوسوم از مجموع جمعیت یهودیان را تشکیل می‌داد. دوم مهاجرانی اروپایی تحت مسلک صهیون‌سیم که اخیراً

## نمودار ١: نرخ خام مواليد جمعيت يهوديان در فلسطين ٤٧-١٩٢٤

### و جمعيت يهوديان در اسرئيل (٩٨-١٩٤٨)

وارد فلسطين شده بودند. جمعيت هردوي آنها باروري كمي نسبت به عربها داشتند. در سال ١٩٢٤ (اولين منبع قابل دسترس) نرخ خام مواليد به ازاي هر ١٠٠٠ نفر جمعيت برابر با ٣٨/٣ براي يهوديان در مقايسه با ٥٥/٣، ٥٩ و ٤٠/٤ به ترتيب براي جمعيتهاي مسلمان - دروزي و مسيحي بود (Mc Carty ١٩٩٠). اگرچه اطلاعات قابل اعتنايي در مورد تفاوت نرخ باروري در دسترس نيست، برخي اطلاعات نشان مي دهد كه ميزان باروري در ميان آنها بسيار زياد بوده است (نرخ مواليد بين ٤٥ تا ٤٠ در هزار نفر). برعكس عربها، مهاجراني كه بعداً وارد فلسطين شده اند و بسياري از آنها هنوز به صورت خارجي (بدون تابعيت) زندگي مي كنند و عمدتاً در مناطق كشاورزي ساحلي ساكن هستند و از لحاظ فرهنگي با كشاورزان ساده عرب تفاوت دارند، الكوي باروري كم را از اروپا به فلسطين آورده اند. در خلال ٣٠ سال بعدي (٤٨ - ١٩١٨) جمعيت يهوديان رشد بالاتري را از طريق مهاجرت از اروپا نسبت به رشد منطقه داشت. در نتيجه نرخ باروري يهوديان در فلسطين بطور متوسط

از نرخ رشد آن بدون در نظر گرفتن مهاجرت کمتر است (به نمودار ۱ نگاه کنید). در نهایت نرخ رشد زیادی برای جمعیت منطقه ثبت شد (در خلال ۴۸ - ۱۹۱۸،  $7/94$  درصد در سال). در واقع به دلیل عنصر مهاجرت به صورت متناقضی به رغم افزایش ظاهری نرخ رشد با سرعت کاهش یافته بود. در سال ۱۹۳۹ نرخ خام موالید (CBR) در جمعیت یهودیان اسرائیلی به ۲۳ در هزار در سال کاهش یافته بود که هم سطح با اروپای آن سالها بود. جنگ دوم جهانی تأثیرات مشابهی را در (وضعیت جمعیت) اروپا برجای گذاشت.

خصومت و دشمنیهای ایجاد شده از طریق تعارضات نظامی اسرائیل، دشمنی را در میان یهودیان و اعراب در تمام کشورهای اسلامی دامن زد. یهودیان ساکن قدیسی در این کشورها با سرعت آنجا را ترک کردند. این یهودیان عرب نسبت به جمعیت عربها یا بربرهایی که قبلاً در میان آنها زندگی می‌کردند تفاوت زیادی نداشتند بویژه اینکه تقریباً باروری زیاد مشابهی داشتند. در اسرائیل برای یهودی‌های آسیایی تبار ۷ تا  $6/5$  فرزند برای هر زن ( $TFR = 6/5 - 7$ ) و برای یهودیان مهاجر از شمال آفریقا  $7/5$  و در میان یهودیان مهاجر از اروپا  $2/5$  تا ۲ ( $TFR = 2 - 2/5$ )<sup>(۲۱)</sup> بود.

هجوم زیاد یهودیان از خاورمیانه و مغرب از سال ۱۹۵۰ به بعد افزایش یافت و نرخ طبیعی جمعیت برای یهودیان اسرائیل افزایش یافت. در نهایت گرچه آنها فقط را مجموع مهاجران در خلال ۹۸ - ۱۹۱۸ هستند، شمار آنها و فرزندان‌شان امروزه حدود ۵۰ درصد از جمعیت یهودیان اسرائیل را تشکیل می‌دهد.

وضعيت اسرئيل و جمعيت آن به سوي ادغام و تركيب «اشكنازي» و «سفاردي» در خود است. يهوديان اروپايي و آسيائي و شمال آفريقا به ترتيب جامعه جديد اسرئيل را تشكيل مي دهند. به رغم ايجاد زمينه هاي تشويق باروري توسط صهيونسيم،

#### نمودار ٢: همگرایی باروري يهوديان ٩٧-١٩٥٢ مجموع نرخ باروري با توجه به محل تولد

باروري در ميان سفاردي ها بعد از اسكان در اسرئيل در سطح بيالايي باقي نماند (Goldscheider. ١٩٩٦) در مقابل، کاهش سريع باروري براي مهاجران اروپايي در تمامي مدت اسكان را موجب شد (به نمودار ٢ نگاه كنيد). مهاجرت به اسرئيل دوره انتقالي تحول جمعيت را در ميان يهوديان با شروع کاهش مرگ و مير شتاب بخشيد (زيرا مهاجران در اسرئيل از محيط بهداشتي و وضعيتي بهتر از آنچه در كشورهاي عربي قبل از ترك آنجا برخوردار بوده اند دارا هستند). کاهش باروري و مرگ و مير در ميان سفاراديها و همگرایی آن با اين نرخها در ميان اشكنازي ها بيانگر ابعاد مختلف توسعه است.

اولاً گسترش تعادل تدريجي در وضعيت اجتماعي در بين جوامع مختلف يهودي به کاهش باروري در

میان سفاردي‌ها منجر گرديد. اگر چه حتي امروز يهوديان درجه پايين جامعه اسرئيل را يهوديان آسيائي و آفريقايي‌تبار تشکيل مي‌دهد نه اروپايي‌تبارها. ( گلد شایدر ۱۹۹۶). مهاجران يهودي عرب‌تبار به محض ورود به اسرئيل از سوي بخشهاي دولتي که تماماً تحت‌نظر اشکنازي‌ها اداره مي‌شد به‌عنوان «عناصر بدجنس»<sup>(۲۲)</sup> يا «مردم بسيار وحشي»<sup>(۲۳)</sup> تلقي مي‌شدند ( سگو ۱۵۵: ۱۹۸۶). اقداماتي هم از سوي دولت با هدف افزايش سطح وضعيت زندگي و تغيير عادات سنتهاي گذشته آنها بويژه در بخشهاي آموزشي و بهداشت انجام گرفت؛ به عنوان مثال ديويدين گوريون نخست وزير و وزير دفاع دولت جديد اسرئيل بسيار نگران وضع عمومي بهداشتي يهودياني بود که از اين وارد مي‌شدند و بخصوص نگران وضعيت بهداشتي کودکان بود. بن گوريون مي‌گفت «يك پدر يعني نمي‌داند قبل از اينکه خود را سير کند بايد اول کودکش را غذا بدهد. ما بايد آداب و سنتهاي يمني‌ها را درک کنيم و به سنتهاي آنها احترام بگذاريم و عادت و سنتهاي آنها را با (نمونه هاي) متعالي و بهتري جايگزين سازيم» ( نقل از سگو ۱۹۸۶-۱۸۷) نه تنها وضع اجتماعي تغيير يافت بلکه همچنين نقش و جايگاه خانواده را براي يهودياني که وجوه فرهنگي زيادي را با آنها مشترک نبودند تغيير داد. بويژه زنان که عمدتاً در جايگاه مادري و همسري محدود بودند. در اسرئيل جامعه اشکنازي متنفس زن را به مفهوم غربي آن حفظ، و توسط نهادهاي سياسي زنان را در ارتش وارد کرد. بنابراین براي مثال در گروه سني



متولدین ۱۹۵۴ نسبت زناني که در ارتش خدمت مي‌کردند ۵۷ درصد آنها زنان اروپايي‌الاصل بود در مقايسه با ۳۳ درصد در بين زناني که تبار آنان از خاورميانه بود.

دليل دوم براي همگرایی الگوهاي جمعيتي سفاردي‌ها و اشکنازي‌ها، اختلاط تدريجي جوامع بود. افزايش ازدواجهاي میان گروهی از ۴/۸ درصد در گروه‌هاي سني ازدواج در سالهاي ۵۳ - ۱۹۴۹ به ۲۲/۲ درصد در نزد گروه‌هاي سني ازدواج در سالها ۸۳ - ۱۹۷۹، نبودن موانع اجتماعي در بين جمعيت يهوديان، يعني جاهایی که زوجهاي بالقوه مي‌توانستند با همديگر دیدار کنند مانند مدارس - محل کار یا تفریحات و ارتش ازدواج میان يهوديان اروپايي‌تبار را با يهوديان آسیايي‌تبار و آفريقاي شمالي‌تبار را تشويق مي‌کرد. بعلاوه تأثیر بازار ازدواج<sup>(۲۴)</sup> ممکن است در بافتهای بومي خاص نقش داشته باشد. زیرا آنها در ابتدا اساساً زاد و ولد زيادي داشتند. يهوديانی که از کشورهای عربي و ترکیه می‌آمدند و نسل بعد از آنها شمار بیشتری از جمعیت بالقوه برای ازدواج را به وجود می‌آوردند. ازدواج میان‌گروهی<sup>(۲۵)</sup> یکی از مهمترین عوامل وحدت و یگانگی است.

با مجموع موالید کمی بالاتر از سطح جایگزینی این الگوی ملی شباهت با الگوی اشکنازی قبل از مهاجرت و سفاردي در دهه ۱۹۵۰ دارد. حتی ابتکارهاي مستقیم دولت برای به حداقل رساندن تفاوتهاي رفتاري برگرفته از تنوع خاستگاه‌هاي جغرافيايي یا تمایلات جمعيت برای ایجاد يك جامعه متحد به تنهایی

این همگرایی ویژه را ایجاد نمی‌کند. تحمیل زبان عبری به عنوان زبان مشترک ممکن است به‌عنوان عامل سوم کمک کرده باشد؛ به عبارت دیگر برای اروپا در مرحله گذار موالید، مرزهای زبانشناسی اغلب بیشتر از هر مرز دیگری محدوده الگوهای مربوط به نکاح و موالید را معین می‌کردند. به عنوان یک واقعیت ارتباطی، مدل‌های فرهنگی بویژه آنها که مربوط به ساختار خانواده است. بسادگی توسط مردمی که به یک زبان صحبت می‌کنند مورد اشتراک و استفاده قرار می‌گیرد. روشهایی که در آن توسعه و ترویج زبان عبری جدید در همه جای زندگی عمومی به عنوان وسیله‌ای برای یکپارچگی ملی استفاده می‌شود ممکن است موالید را تحت تأثیر قرار داده باشد. (میزان این تأثیرات) هنوز بررسی نشده است ولی به نظر می‌رسد احتمال چنین تأثیراتی موجه باشد.

میزان موالید برای زنان یهودی که در خارج از اسرائیل یعنی شمال آفریقا یا آسیا متولد شده‌اند به صورت همزمان، کمی بیشتر از زنانی است که در اروپا متولد شده‌اند (نمودار شماره ۲). پس از سه دهه همگرایی در ابتدای دهه ۱۹۹۰ برگشت موقت در همگرایی روی داد و تا سال ۱۹۹۵ ادامه یافت. تفاوتها (عدم همگرایی) برپایه سرزمین اصلی ناگهان و بطور موقت افزایش یافت که نتیجه غیرمنتظره توسعه‌های مختصر سیاسی بود. فروپاشی کمونیسم در دو کشور دارای جامعه‌های بزرگ یهودی یعنی اتیوپی و شوروی و یا مذاکرات سیاسی به منظور رفع موانع برای مهاجرت یهودیان اسرائیل را با دو جامعه با الگوهای باروری متفاوت روبه رو ساخت. تمامی جامعه فلاحه‌های

اتيوي بطور سنتي داراي سطح زيادي از مواليد بودند و بخش وسيع يهوديان شوروي سابق داراي جامعه اي با مواليد كم بودند. بنا بر اين گسست در روند همگرابي ارتباطي با تغييرات جامعه شناختي جامعه اسرئيل نداشت. در عوض حاصل يك تغيير عمده سياسي در صحنه بين المللي بود. تحيري كه دولت اسرئيل از آن به عنوان وسيله اي براي افزايش جريان مهاجرت يهوديان استفاده كرد. بررسي روند يك دوره طولاني چيز ديگري را بيان مي كند. باروري براي يهوديان تولد يافته در داخل اسرئيل كه اكثريت آنها در سن باروري قرار دارند بيانگر عدم تغيير در ميانگين باروري در دهه ۱۹۷۰ براي آن جمعيتهايي است كه بيرون از اسرئيل متولد شده اند. اين ميانگين داراي چند ويژگي است كه عبارتند از:

اول اينكه مانند هر ميانگيني، اين ميانگين صرفاً به عنوان يك تشخيص دهنده است. تنوع تبار و دودمان جايزين تعصب مذهبي شده بود. براي بررسي علت اصلي تفاوت و اختلاف در ميزان نرخ باروري ميزان گرانش سياسي به عنوان يك معيار مناسب عمل مي كند (گرانش سياسي و ارتباط آن با باروري). در اوائل دهه ۱۹۷۰ الكوهاي باروري اختلاف خيلي زيادي با دو نسل قبل از خودشان در يك منطقه جغرافيايي نداشتند (به عبارت ديگر) زنان يهودي اروپايي تبار متولد در اسرئيل نرخ باروري اندكي بيشتر از مادران شان را داشتند و اين مواليد (بيشتر) پاسخ به تحيراتي است كه يهوديان صرف نظر از خاستگاه شان بتدریج نشان دادند. (فريدلندر و گلدشيدر ۱۹۷۸ - گلدشيدر ۱۹۹۶) مغايرت شديد باروري كه هنوز

در اسرائیل وجود دارد به دلیل تغییر تدریجی ارزشهای مذهبی است و هنوز میانگین بالای باروری یهودیان اسرائیل در مقایسه با استانداردهای بین المللی (۲/۶۷ فرزند برای هر زن در ۱۹۹۸) بخشی از نتیجه نا هماهنگی مذهبی است. (در یک تحقیق) همبستگی زیادی میان نسبت آرای به دست آمده از افراد خیلی متعصب در انتخابات پارلمانی ۱۹۸۴ و TFR نقش احتمالی میان تعصبات مذهبی را با تفاوت‌های باروری آشکار کرد. (شیملز ۱۹۸۶، فریدلندر و فلدمن ۱۹۹۳). در یک تحقیق انجام گرفته در سال ۱۹۸۷ نشان می‌دهد آنچه تفاوت‌های عمده را در باروری ایجاد می‌کند درآمد - تحصیلات - موقعیت شغلی یا قومی نیست بلکه تعصبات مذهبی باعث تفاوت‌های خیلی زیاد در باروری است. میزان باروری، عملی یا خواسته کاملاً با تعصبات مذهبی تعیین می‌شود پذیرش<sup>(۲۶)</sup> (میزان اعتقادات) مذهبی یک پیش‌بینی‌کننده قوی برای الگوهای ساختاری خانواده است (کربینسکی ۱۹۹۲، گلدشیدر ۱۹۹۶ - آدلر و پرتیز ۱۹۹۷).

اختلاف و تفاوت در میزان تعصبات مذهبی نه فقط بر میزان تغییرات در سطوح باروری ارتباط دارد بلکه در روند تغییرات آن نیز مؤثر است. به گفته برمن (۲۰۰۰) در خلال سالهای ۸۲ - ۱۹۸۰ و نیز سالهای ۹۶ - ۱۹۹۵ مجموع نرخ باروری از ۶/۴۹ بر ۷/۶۱ فرزند برای هر زن در میان یهودیان خیلی متعصب رسیده بود. در حالی که این نرخ از ۲/۶۱ به ۲/۲۷ در بین سایر یهودیان اسرائیلی کاهش را نشان می‌دهد. ما بعداً به توضیحی که برمن در این مورد ارائه کرده است و همچنین به

جنبه‌های سیاسی آن خواهیم پرداخت در اینجا دو نکته قابل ذکر است (۱) = افزایش اخیر در TFR یهودیان اسرائیلی نتیجه افزایش سریع موالید در بین یهودیان خیلی متعصب است که کاهش موالید را در گروه‌های دیگر خنثی می‌کند. (۲) = اگر تفاوتها و روند کنونی موالید به همین وضعیت ادامه یابد، تغییرات ایجاد شده در ترکیب جمعیت یهودیان اسرائیل، نسبت جمعیت خیلی متعصب را از ۵/۲ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۱۲/۴ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش خواهد داد که ۲۲/۵ درصد از این جمعیت را گروه سنی صفر تا ۱۷ ساله تشکیل خواهد داد. (برمن ۲۰۰۰). در اینجا این نکته به نظر می‌رسد که چون در نسل آینده نسبت جمعیت افراد خیلی متعصب با باروری زیاد، وزن بیشتری را در رأی‌گیری خواهند داشت، باروری زیاد بطور ضمنی بخشی از استراتژی آنها برای کسب قدرت سیاسی به وسیله ابزارهای دموکراتیک است. (کوربیج ۱۹۹۶ ب)

دومین ویژگی چشمگیر جمعیت اسرائیل افزایش سطح باروری آن در مقایسه با کشورهای است که توسعه اقتصادی - اجتماعی مشابه دارند. جمعیت یهودی اسرائیل در رده پیشرفته‌ترین کشورها از نظر اقتصادی، اجتماعی و حتی استانداردهای سیاسی قرار دارد. اما میانگین باروری آنها بطور چشمگیری از تونس، ترکیه، لبنان و حتی کشورهای شمال آفریقا یا کشورهای خاورمیانه بیشتر است که استانداردهای زندگی و مشارکت سیاسی در آنها بسیار عقبتر از اسرائیل است که بخشی از این ویژگی نتیجه ناهمگنی مذهبی است. در سال ۱۹۹۸ نرخ کلی موالید (TFR) در جمعیت یهودی اسرائیل تقریباً

۳۰ درصد بیشتر از این نرخ در جمعیت امریکا است. ( $TFR = ۲/۰۵$ ) به هر حال هر جمعیتی که ناهمگنی داشته باشد نرخ باروری آن حداقل در سطح جایگزینی<sup>(۲۷)</sup> یا کمتر از آن است. با توجه به نرخ کلی باروری ( $TFR = ۲/۲۵$ ) در اسرائیل در مقایسه با جمعیت سفیدپوست امریکا ( $TFR = ۱/۸$ ) به نقل از پینال و سینگر (۱۹۹۷) نرخ باروری سابق ۲۵ درصد بیشتر از نرخ باروری فعلی است. در مقایسه با جمعیت مهاجر اروپایی سطح باروری غیرمتعصبین یهودی در اسرائیل ۵۳ درصد بیشتر از اروپایی غربی ( $TFR = ۱/۴۸$ ) و ۶۶ درصد بیشتر از اروپایی شرقی ( $TFR = ۱/۳۶$ ) است. بنابراین نمی‌توان سطح نسبتاً زیاد باروری در یهودیان اسرائیل را تماماً با ناهمگنی مذهبی ربط داد.

مهاجرت به اسرائیل ممکن است برای کسانی که با باروری زیاد انتخابی باشد. در یک مطالعه درباره دو گروه سنی از مهاجران شوروی سابق، برمن و زاخانوف (۲۰۰۰) اثبات کردند کسانی که زمانی وارد اسرائیل شده‌اند که هزینه مهاجرت به خارج از اتحاد شوروی زیاد بوده (۸۲ - ۱۹۶۰) و کسانی که در دوره‌ای مهاجرت کرده‌اند که هزینه مهاجرت کم بوده است (۹۶ - ۱۹۸۵)، گروه اول باروری بسیار زیادتری ( $TFR = ۲/۰۵$ ) داشته‌اند تا گروه دوم ( $TFR = ۱/۷$ ). با حذف تأثیرات وضعیت قبل از مهاجرت و وضعیتی که پس از مهاجرت به اسرائیل مهاجران به آن روبه‌رو شده‌اند، محققان دریافتند که تأثیر وضعیت قبل از مهاجرت غالب بوده است. تفسیر آنها این است که مهاجرت یک سرمایه‌گذاری در ذخایر و

سرمایه انسانی است که در آن رفاه فرزندان يك مسأله اساسي است (و در اینجا) خانواده‌هاي نودوست بیشتر احتمال دارد مهاجرت کنند و خانواده‌هاي که بر پایه از خودگذشتگی مهاجرت را انتخاب کرده‌اند، احتمال دارد فرزند بیشتری داشته باشند یا دارای فرزندان با ویژگی‌هاي بالاتر (همانطور که در اصطلاحات متعارف اقتصادي تعريف شده است). بخشی از باروري نسبتاً زیاد يهوديان اسرئيلي نتيجه ارتباط میان تمایل به مهاجرت و رفتار والدين نسبت به نسلهاي آینده است. توضیحات مکمل را می‌توان در تاريخ خشونت‌بار يهوديان طی قرن بیستم جستجو کرد. خاطره کشتارها و قتل‌عامها در اروپا زمینه مساعد را برای اشاعه مکتب طرفداري از زاد و ولد<sup>(۲۸)</sup> (يعني زمينه‌هاي تشکیل دولت يهود) برای نخبگان سياسي اسرئيلي فراهم آورد. تداوم حالت جنگي از زمان تأسيس اسرئيل ممکن است روي بعد خانواده تأثیر بگذارد. بر پایه یکی از فرضیه‌هاي که به وسیله گلدشيدر ارائه شد (۱۹۹۶) يك فرزند اضافه بیمه‌اي عليه خطر مرگ نابهنگام در جنگ است. اما تعداد تولدهاي اضافي حدود ۲۵ درصد بالاتر از سطح جایگزینی - بمراتب از تعداد تلفات ناشي از جنگ فراتر است. برای درک بهتر درمورد باروري نسبتاً بالای يهوديان در اسرئيل باید به سياست توجه داشت و ارتباط ویژه‌اي که مهاجرت، باروري و روند ساختار ملي را با یکدیگر مرتبط می‌سازد، مدنظر قرار داد.

## مهاجرت و سیاست باروری یهودی

حدود ۹۵ درصد از جمعیت یهودی اسرائیل از مهاجرت‌های انجام گرفته در سه چهارم آخر قرن بیستم تشکیل می‌شود. بدون جریان مهاجرت آنها / ۶۰۰۰۰ نفر از جامعه فلسطین، یهودی بوده‌اند. از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۹۶ حدود سه میلیون یهودی به اسرائیل مهاجرت کردند که ۸۰ درصد آنها بعد از تأسیس اسرائیل و مطابق با قانون حق بازگشت مصوب سال ۱۹۵۰ که به هر یهودی حق بازگشت می‌داد وارد منطقه شدند. این روش حمایتی از رشد دموکراسی از طریق انتقال مهاجران از خارج به دو دلیل صورت گرفت:

اول اینکه ظرفیت کشور مقصد برای حفظ عوامل جذب<sup>(۲۹)</sup> (جذب مهاجران) بود. تأثیر بحران سیاسی جامعه اسرائیل در دهه ۱۹۸۰ باعث کاهش جاذبه مهاجرت به آن کشور به عنوان یک مقصد برای اعضای جامعه یهودی در اروپا شد. در یک تنزل تقریباً مداوم بین اوائل دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۸۵ تراز مهاجرت را از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ منفی کرد (نگاه کنید به نمودار ۳).

برای اولین بار مهاجرت‌های برگشتی (برگشت مجدد) که قبلاً به صورت گسترده انجام می‌گرفت و در خلال دو جنگ جهانی، اسرائیل را به عنوان یک ایستگاه انتقالی مهاجران از اروپا به آمریکا برای بسیاری از مهاجران تبدیل کرده بود به صورت محدودی انجام می‌گرفت. در همین زمان مناطق یهودی‌نشین در خارج از مرز اسرائیل یعنی در قلب کرانه باختری و نوار غزه تحت اشغال نظامی در حال تقویت



### نمودار ۳: مهاجرپذيري و مهاجرفرستي براي يهوديان اسرئيلي ۱۹۴۸ - ۹۸

روبه گسترش بود. اين گونه مناطق يهودي نشين رشد جمعيت بيشتري را در درازمدت مي طلبيد. در دهه ۱۹۹۰ (در بالا ذکر شد) مهاجرت از اتيوپی و شوروي سابق ابتدا افزايش، و سپس کاهش يافت. هنگامي که نظام کمونيستي درحال فروپاشي اجازه مهاجرت يهوديان را صادر کرد و تقريباً ۲۰۰/۰۰۰ نفر از آنان تنها در يك سال (۱۹۹۰) وارد اسرئيل شدند، بسياري بر اين باور بودند و فلسطينيان نگران بودند از اينکه ساليانه صدها هزار نفر وارد فلسطين شوند و رونق ديموگرافيكي رشد جمعيت به صورت تصاعدي با نرخ كم تري معكوس شود؛ اما چند سال بعد اين جريان مهاجرت فروکش کرد. از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸، ۷۹۲۰۰۹ مهاجر و مهاجران بالقوه در اسرئيل به ثبت رسيدند. اما همه اين مهاجران قصد اقامت نداشتند و همه آنها يهودي نبودند. تراز

مهاجرت برای همه کشورهای مهاجرفرست مرکب از ۷۶۵۰۰۰ نفر برای دهه ۹۸ - ۱۹۸۹ که از مهاجرت تنها از شوروی سابق کمتر بود و تراز یهودیان حتی کمتر از ۶۵۷۷۰۰ نفر و شاید کمتر از آن بود. اگرچه برخی مهاجران ثبت شده به عنوان یهودی دقیقاً یهودی نبودند (دولت اسرائیل - خلاصه آمار ۱۹۹۹ جدول ۲) نسبت مهاجران غیریهودی که در چهار دهه اول تشکیل اسرائیل به صورت ناچیز بودند (۰/۷ درصد از ۸۸ - ۱۹۴۸) در دهه های بعدی افزایش یافت با افزایش متوالی از ۳/۳ درصد در سال ۱۹۹۰ تا ۲۸/۴ درصد در ۱۹۹۶، ۳۶/۱ درصد در سال ۱۹۹۷ و ۴۰/۲ درصد در سال ۱۹۹۸.

دومین عامل که باعث محدود شدن مهاجرت جدید شد، میزان پراکندگی جمعیت یهود و انگیزه های آنان برای حرکت به اسرائیل بود. نسبت جمعیت یهودیان جهان که در فلسطین و نهایتاً در اسرائیل زندگی می کردند و متناوباً افزایش یافت از یک درصد در سال ۱۹۲۵ تا حدود ۳۶/۵ درصد در سال ۱۹۹۸ (رجوع به جدول ۱) با افزایش ناگهانی در دهه اخیر از شوروی سابق بود. در حال حاضر یهودیان روسیه که جمعیت کمی هستند نه فقط یکی از نزولترین نرخهای طبیعی رشد جمعیتی را دارند بلکه همچنین نسبت زیادی از ازدواجهای ترکیبی (میان اقوام گوناگون) را دارند که نتیجه آن فروپاشی دموگرافیکی و کمرنگ شدن هویت می گردد.

این جامعه احتمالاً دیگر قادر نخواهد بود که مهاجران زیادی را برای اسرائیل تدارک ببیند. جدای از روسیه، اکثریت زیادی از یهودیان ساکن کشورهای با **جدول ۱: جمعیت**

يهوديان در جهان و در اسرائيل (به هزار)  
۱۸۸۲-۱۹۹۸

سال	جهان	اسرائيل	درصد در اسرائيل
۱۸۸۲	۷۸۰۰	۲۴	۰/۳
۱۹۰۰	۱۰۶۰۰	۵۰	۰/۵
۱۹۱۴	۱۳۵۰۰	۸۵	۰/۶
۱۹۲۵	۱۴۸۰۰	۱۳۶	۰/۹
۱۹۳۹	۱۶۶۰۰	۴۴۹	۲/۷
۱۹۴۸	۱۱۵۰۰	۶۵۰	۵/۷
۱۹۵۵	۱۱۸۰۰	۱۵۹۰	۱۳/۵
۱۹۷۰	۱۲۶۳۰	۲۵۸۲	۲۰/۴
۱۹۷۵	۱۲۷۴۰	۲۹۵۹	۲۳/۲
۱۹۸۰	۱۲۸۴۰	۳۲۸۳	۲۵/۶
۱۹۸۵	۱۲۸۷۰	۳۵۱۷	۲۷/۳
۱۹۹۰	۱۲۸۷۰	۳۹۴۷	۳۰/۷
۱۹۹۵	۱۳۰۲۰	۴۵۲۲	۳۴/۷
۱۹۹۸	۱۳۱۰۰	۴۷۸۵	۳۶/۵

درآمد سرانه بیشتر از اسرائيل (حدود ۴۵ درصد درآمد بالاتر در امريكاي شمالي - و همچنين درآمد بیشتر در اروپا، حتي با درجات کمتر) نیز انگيزه اقتصادي كمي براي مهاجرت به اسرائيل را دارند. علاوه بر اين يهوديان اروپا و امريكا كه كاهش شديدی از باروري را نسبت به جمعيتي كه در ميان آنان زندگي ميكنند زودتر تجربه کرده اند و در رده مسنترين جوامع در جهان با ۲۰ درصد از جمعيت بالاي ۶۵ ساله طبقه بندي شده اند، تمايل كمتری براي مهاجرت دارند. به هر حال پيرتر از آن هستند كه در افزايش طبيعي (جمعيت) اسرائيل شركت كنند (شلمز ۱۹۸۴).

بنابراين ماشين سنتي رشد دموگرافيك يهوديان در اسرائيل كه عمدتاً با مهاجرت

تغذیه می‌شد بطور روزافزونی در حال زوال است درحالی که در طرف فلسطینی، همانطور که بعداً نشان داده می‌شود از طریق رشد باروری، افزایش سریع جمعیت را حمایت می‌کند. تعارض و تضاد بویژه زمانی مشخص می‌شود که فلسطینیان به عنوان يك جمعیت واحد به حساب آیند. چه در اسرائیل زندگی کنند و چه در ساحل غربی و نوار غزه. تراز عددی (شمارشی) بین دو جمعیت و احتساب چالش باروری بالای فلسطینیان در زمانی که مهاجرتهای یهودیان به نظر می‌رسد نقش کاهش‌دهنده‌ای را ایفا می‌کند، باعث دلواپسی اسرائیلی‌ها از اوائل دهه ۱۹۶۰ شده است. طرفداری از افزایش باروری<sup>(۳۰)</sup> تنها پاسخ واقع‌بینانه است (دلپرگولا ۱۹۹۲) و «فرزندآوری ملت»<sup>(۳۱)</sup> (کنانه فورت کامینگ) بیشتر و بیشتر روی باروری زنان تأکید می‌کند. عقاید پروناتالیسم (طرفداری از افزایش باروری) به قبل از زمان تأسیس دولت (اسرائیل) برمی‌گردد. فرید لاندر (۱۹۷۴) می‌گوید که پروناتالیسم اولین بار هنگامی مطرح شد که انگلستان محدودیت بیشتری را برای مهاجرت از طریق درخواست ذکر شده (۱۹۳۹) معروف به چک سفید اعمال کرد این مسئله نگرانی مشترک میان رهبران صهیونیست در فلسطین در زمان جنگ دوم جهانی در پاسخ به نابودی یهودیان اروپا توسط نازیها بود. در سال ۱۹۴۳ تقاضا برای باروری بیشتر بطور آشکار توسط خاخام اعظم فلسطین در ارتباط با کوره‌های مرگ یهودیان داده می‌شد. او از خانواده‌ها می‌خواست تا تولیدمثل بیشتری داشته باشند زیرا تعداد یهودیان نباید ۱۱

ميليون نفر بلکه ده ها ميليون نفر باشد. «باردار شويد و تکثير کنید و پرکنيد زمين را» و همچنين توسط راي اچ فرانکليل استاد رياضيات دانشگاه عبري اورشليم که طرفدار جنگ بي رحمانه عليه پزشکاني بود که سقط جنين را انجام مي دادند و از آن (باروري زياد) به عنوان يکي از روشهاي مختلفي که هيتلر از طريق آن در سال ۱۹۳۳ تلاش مي کرد نرخ مواليد آلمانها را بالا ببرد ياد مي کرد. سياستهاي عمومي طرفدار خانواده نيز قبل از تاسيس دولت (اسرائيل) مورد حمايت قرار گرفته بود. روبرتو باچي يك جمعيت شناس و متخصص آمار که غالباً به بن گورين مشورت مي داد اتخاذ سياست اعانه به خانواده ها يا دادن تسهيلات اعتباري ويژه براي زوجهاي جوان را در سال ۱۹۴۳ پيش نهاد کرد. پنج سال اول تاسيس دولت اسرائيل دوره مهاجرت شديد يهوديان بود. در آن زمان به پروناتاليسم اولويت کم تري داده ميشد. تنها هنگامي که مهاجرت روبه کاهش گذاشت پروناتاليسم مجدداً مورد توجه قرار گرفت.

ژاکلین پورتوگيز (۳۲) استدلال مي کند که پروناتاليسم بر پايه سه نپروي اصلي در جامعه اسرائيل پايه گذاري شده است: صهيونيسم، تشکيلات مذهبي و مسئله باروري و مسئوليت آن به عهده باچي بود که توسط بن گورين منصوب شده بود و اساساً مسئله کم بودن باروري يهوديان را پيگيري مي کرد و انجمني تاسيس شد که مي گفت اگر تمامي خانواده ها فقط دو فرزند داشته باشند خطر تحليل و انقراض جمعيت را در پي خواهد داشت. خانواده هايي که سه فرزند

داشته باشند در حد حفظ (نسل) هستند و فقط خانواده‌هایی که چهار فرزند یا بیشتر داشته باشند، حمایت واقعی از تجدید جمعیتی ملت را خواهند داشت (نقل از پورتوگیز ۱۹۹۸ - ۷۷). در سال ۱۹۶۸ مرکز جمعیت‌شناسی در وزارت کار و رفاه اجتماعی با مأموریت در ایجاد زمینه‌های مساعد روانی برای توسعه سیاست فرزندآوری تشکیل شد و در آن تشویق و ایجاد انگیزه در فرزندآوری به عنوان یک ضرورت برای آینده جمعیت یهود مورد حمایت قرار گرفت (همان). اما با توجه به اسناد و مدارک، مانند بسیاری از اقدامات دیگر مرکز جمعیت‌شناسی در جهت سیاست‌های مشورتی برای افزایش باروری انتظارات اساسی (افزایش موالید) برآورده نشد (فریدلندر ۱۹۷۴).

در سال ۱۹۷۶ وزیر کشور اسرائیل در گزارشی به تهدیدهایی اشاره می‌کند که اعراب اسرائیل متوجه امنیت این کشور می‌کنند و می‌گوید: عربها با افزایش جمعیت خود احساس افزایش قدرت می‌کنند و به آینده (مبارزات) خود امیدوار می‌شوند (به نقل از پوتوگیز ۱۹۹۸ - ۸۳) و در نهایت در ارتباط با عدم تعادل باروری یهودیان و عربها راهی را برای کاهش باروری غیریهودیان اسرائیل ارائه می‌کند. در ماه می ۱۹۸۶ دولت اسرائیل برنامه‌ای را برای جمعیت یهود پیشنهاد می‌کند که در آن اظهارات دولت برای جذب و ازدواج میان اقوام یهودی عرب‌ها برای جلوگیری از پراکندگی تأکید می‌کند. دولت در اینجا تصمیم بر اتخاذ سیاست‌های بلندمدت تشویقی می‌گیرد تا جمعیت یهود را به سطح مناسبی از رشد و امنیت برساند (همان ۸۵ - ۸۴).

پرونا تالیسم به صورت واضح در جهت اهداف جمعیت یهود است همانطور که کلدشایدن و فرید لندر عنوان می‌کنند (۱۹۸۶ - ۳۳). با توجه به ناهمگنی جمعیت اسرائیل باید برای کاهش باروری در هر یک از گروه‌های یهودی برنامه خاصی را ارائه کرد که برای هر یک قابل اجرا باشد.

ایزن باخ (به نقل از پورتوگیز ۱۹۹۸ - ۷۵) تداوم پروسه مدرنسیم و مدرن‌گرایی را عامل تشویق و تسریع در کاهش باروری در میان جمعیت مسلمانان اسرائیل می‌داند.

سیاست‌های پرونا تالیست‌ها در اسراییل متفاوت از کشورهای دیگر نبود.

با قانون ۱۹۵۹ معافیت مالیاتی به خانواده‌هایی تعلق می‌گرفت که چهار بچه یا بیشتر داشتند و قانون ۱۹۶۸ مربوط به بیمه ملی حدود ۱۰ تا ۵۰ درصد حقوق ماهیانه را در مقایسه با دیگر کشورها بسیار کم می‌دانست.

« باچی » می‌گوید که در اسراییل به مادران کم‌کم زیادی می‌شود. بچه‌ها و خانواده عامل باروری در اسراییل هستند و مساعدتهای صورت گرفته به آنها در مقایسه با کشورهای صنعتی دیگر زیاد است.

وی در عین حال معتقد بود که امنیت (کاری) زنان باید تضمین شود زیرا آنها باید برای زایمان و تربیت فرزندان، کار خود را ترک کنند و علاوه بر آن در امور نظامی شرکت داشته باشند. لذا باید به امور زنان اولویت داد زیرا باروری بیشتر اقدامی در جهت تضمین آینده کشور و حرکتی اساسی در جهت دفاع از قلمرو اسراییل است. از این رو ثبت

نام از زنان (برای شرکت در امور نظامی) زمانی ضروری است که تهدیدی متوجه کشور باشد.

رهبران مذهبی (هم) معتقد بودند که ثبت نام از زنان برای امور نظامی دلیل اصلی کاهش باروری است. ناهمگنی جمعیت اسراییل دلیل دیگری نیز دارد. از نگاه پروناتالیست‌ها اسرئیل سرزمین یهودیان است و دولت از باروری یهودیان لذت می‌برد و نه از اعراب. در عین حال (رهبران) کشور نگران نرخ بالای باروری در میان اعراب هستند. بر این نظر، برای رسیدن به اهداف صهیونیسم، جوایزی از سوی «بن‌گورین» اعلام شد که به خانواده‌هایی تعلق می‌گرفت که ده فرزند به دنیا بیاورند.

ده سال بعد اعطای این جایزه متوقف شد زیرا آن را عمدتاً اعراب (اسرئیل) دریافت کردند. «بن‌گورین» مدیریت اجرای طرح را از دولت گرفت و به تشکلهای غیردولتی یهودی سپرد که در رأس آن پروناتالیست‌ها بودند.

براساس گزارشی که (برای اجرایی شدن) در اختیار دولت قرار گرفت، مقرر شد کمک‌های دولت به خانواده‌های پر فرزند تنها به خانواده‌های پر فرزند یهودی تعلق گیرد و عربها و مسلمانان در صورتی از این کمک بهره‌مند شوند که به ارتش ملحق شوند.

دولت اسرئیل برای افزایش باروری در این کشور، گروه‌های مذهبی را (که مردم را به این امر تشویق می‌کردند) مورد حمایت قرار داد.

### **الگوی فلسطینی‌ها در اختلاف و فاصله**

**باروری:** مهاجرت فلسطینی‌ها (از سرزمین خود) با ایجاد اسرئیل در سال ۱۹۴۹ تشدید شد. مهاجرت طی دو مرحله صورت گرفت: نخست به



ساحل غربي و نوار غزه در سال ۴۹ - ۱۹۴۸، ساحل شرقي رود اردن، لبنان و سوريه و دومي از ساحل غربي و نواز غزه به ديگر نقاط كه ارتش اسرئيل اين دو منطقه را بعداً اشغال كرد. (با اين اشغال) بازار كار فلسطينيها به خليج فارس كشيده شد. آنها در اين منطقه (خليج فارس) به دنبال استخدام و يا ثروت اندوزي بودند.

الگوي مهاجرت در مورد فلسطينيها مصداق نيافت. مردان همراه با زنان و فرزندانشان خود به مهاجرت تن دادند. اختلاف ميان اسرئيل و همسايگان عربش به جنگ انجاميد و در آن سوي جنگ كارگران فلسطيني (مهاجر) بودند و كشورهاي صادر كننده نفت.

جنگ (هاي) اسرئيل - اعراب در سالهاي ۴۹ - ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ باعث آوارگي بيشتر فلسطينيها شد. در سال ۱۹۷۳ عربستان سعودي، كشورهايي را كه با اسرئيل دوست بودند به عدم امنيت نفتي تهديد كرد. برخورد اعراب و اسرئيل باعث فزوني درآمد اعراب از ناحيه افزايش بهاي نفت شد.

اثر جانبي اين پديده اقتصادي باروري بيشتر فلسطينيها بود كه درآمدهاي بيشتر پيدا کرده بودند.

اولين منبع مالي (فلسطينيها) سرمايه هاي خصوصي بود كه كارگران مهاجر به فلسطين مي فرستادند و دومين منبع، سرمايه و كمكهاي مالي بود كه شيخ نشينهاي حوزه خليج فارس به فلسطين مي فرستادند.

اين كمكها بيشتر به فلسطينيهايي مي شد كه فلسطين را ترك نكرده بودند و در اسرئيل و سرزمينهاي اشغال شده مانده بودند.

قبل از تأسیس اسرائیل (هم) فلسطینی‌ها باروری زیاد داشتند. بروز اختلاف بین کشورهای عربی به دنبال جنگ اعراب - اسرائیل، کسانی که در اسرائیل بودند از اردنیها جدا شدند و این جدایی بین اسرائیل و مصر شدیدتر بود.

افرادی که در اسرائیل (اراضی اشغال شده) ساحل غربی و نوار غزه مانده بودند شاهد موفقیت‌های اجتماعی و سیاسی بودند در عین حالی که برخی تنشها در میان آنها بود که به باور جمعیت‌شناسان از باروری آنها مربوط می‌شد.

نمودار ۴ از نیمه ۱۹۹۰ - ۱۹۵۰ سه دسته جمعیت را جدا می‌کند. تا اواخر سال ۱۹۷۰ هیچ کاهشی در باروری دیده نمی‌شد و اختلافات منطقه‌ای قابل چشم‌پوشی بود. سپس عربهای اسرائیل باروری کمتری نسبت به فلسطینی‌های مقیم ساحل غربی و نوار غزه داشتند. کاهش باروری در میان اسرائیلی‌ها زیاد نبود، ولی اسرائیلی‌های عرب جمعیت همگنی نبودند.

گروه‌های مذهبی (اسرائیل) بر این باورند که باروری مسلمانان دو برابر مسیحی‌ها است. در سالهای ۹۸ - ۱۹۹۵ عربهای مسیحی باروری کمی داشتند در حالیکه مسلمانان بیشترین باروری را داشتند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**نودار ۴: واگرائي باروري فلسطينيان در  
سالهاي ۹۵ - ۱۹۵۶  
مجموع نرخ باروري با توجه به سه منطقه محل  
سکونت**

نسبت باروري زياد زنان مسلمانان نسبت به مسيحيها در جوامع خاورميانه دراوايل قرن بيستم متنوع بود. مسيحيهاي شرقي در مقايسه با مسلمانان تحصيلات بيشتري داشتند و به موفقيتهاي اقتصادي و اجتماعي بهتري ميسيدند. مرگ و مير کودکان در ميان آنها کمتر بود. به غرب بيشر راه داشتند، اما در اين ميان عوامل ديگري در کاهش باروري (درمیان آنها) نقش داشتند. از نظر تاريخي در ميان عربهاي فلسطين باروري مسلمانان بيشر از باروري مسيحيها بود. با محدود شدن مهاجرت براي اسرانيليهاي عرب در داخل، بافت اقتصادي از کشاورزي به صنعتي تغيير کرد و جوامع عرب براي استخدام شدن (و کار پيدا کردن) به يهوديان وابسته شدند. برخي بر اين نظرند که اين امر به رشد باروري ميانجامد چون اگر چه کارگران از خانه دور ميمانند، اما زنان در خانه به خانه داري مشغول ميشوند و به اين ترتيب از کاهش باروري جلوگيري ميشود. اين امر موفقيت بيشتري براي مسلمان است زيرا زنان مسلمان تنها ۱۹ درصد نيروي کار آنها (مسلمانان) را

تشکیل می‌دهند در حالی‌که این میزان در میان مسیحیان ۴۰ درصد و یهودیان ۴۴ درصد است (زنان بیشتری از آنها ناچار به کار هستند).  
مخالفات جمعیت‌شناسی در میان فلسطینی‌ها از سال ۱۹۴۸ و بر مبنای محل اقامت آنها رشد پیدا کرد. برای این اساس‌آنهايي‌که در يك پروسه انتخابي در طول جنگ‌هاي ۴۹ - ۱۹۴۸ مهاجرت کرده بودند، مهاجران اختیاری بودند که ثروت مند تر بودند و از تحصیلات بهتری نسبت به آنهايي که در محدوده دولت جدید اسرائیل باقی ماندند، برخوردار بودند و دسته دیگر فلسطینی‌هایی بودند که در اسرائیل ماندند و مردمی فقیر بودند و ورود آنها به جامعه ضررهای اجتماعی و اقتصادی (برای دولت اسرائیل) به دنبال داشت.

به باور جمعیت‌شناسان، فلسطینی‌هایی که در سال‌هاي ۴۹ - ۱۹۴۸ محل خود را ترک کردند به این کار مجبور شدند. قبل از پایان جنگ ۷۲۵۰۰۰۰ نفر فلسطینی خانه‌های خود را ترک کردند و تنها ۱۵۶۰۰۰ نفر باقی ماندند. با چنین مهاجرت‌هایی بیش از ۸۰ درصد (مهاجران فلسطینی) در پروسه مهاجرت انتخابی قرار می‌گیرند. از نگاه جمعیت‌شناسان تغییر اختلافات باروری از طریق مذهب در میان اسرائیلی‌های عرب شکل گرفت. با این باور مسلمانها و مسیحی‌ها دو جمعیت مشخص نیستند و به ازدواج‌های درونی آنها بستگی دارد. بچه‌اي که از ازدواج يك مسیحی و مسلمان زاده شود بر حسب قوانین (اسرائیل) بچه‌اي مسلمان است. بخشی از تولدهای مسلمانها از پدر و مادری است که یکی از آنها قبلاً مسیحی بوده است به همین دلیل، باروری زیاد در میان مسلمانان

موضوع تفسيرات بر تضاد بين دو جمعيت تأكيد مي‌شود و غلط بودن آنها را روشن‌تر مي‌سازد. توسعه مكانهاي تماسي دائمي (دانشگاه ها، محلهاي كار، انجمنها و ...) از يك طرف و جمعيت كوچك جوامع مسيحي و ازدواج آنها از طرف ديگر نقش مهمي را در تضاد جمعيتها به عهده دارد. در سوي ديگر مرز اسرئيل، در ساحل غربي و نوار غزه قبل از سال ۱۹۷۵ هيچ كاهش باروري ديده نشد. كاهش كند در باروري در آن زمان آغاز شد و هر دو قلمرو TFR بالاتر از ۷ بچه براي هر زن داشتند. پس از آن دو قلمرو با هم اختلاف پيدا كردند. پس از يك افزايش جزئي (نه زياد عمر) در ساحل غربي و نوار غزه، پيك ۸/۱ بچه براي هر زن در سال ۱۹۹۱ حاصل شد. دليل آن مربوط به افزايش زياد در باروري بود (به جدول شماره ۲ مراجعه كنيد) و در زنان نوجوان ازدواج زياد ديده شد. در پشت جمعيت، سياست نقش بازي مي‌كرد. به منظور درك تغييرات جمعيت‌شناسي كه در چارچوب تفسير باروري نبود، مشخصاً بايد با تغييرات سياسي بزرگ همراه شد. انتفاضه براي اولين بار معياري را براي حمايت از جوامع عرب اسرئيل ايجاد كرد.

جدول ۲: نرخ باروري ويژه سني (ASFR) براي هر گروه سني در ساحل غربي و نوار غزه ۱۹۸۵، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵

گروه سني	۱۹۸۵	۱۹۹۱	۱۹۹۵
----------	------	------	------

ساحل غربی (بدون بیت المقدس)	۷۳/۱	۱۶۰/۱	۱۰۰
۱۵-۱۹			
۲۰-۲۴	۲۳۵/۴	۳۴۶/۳	۲۷۳
۲۵-۲۹	۲۶۴/۹	۲۹۴	۲۶۴
۳۰-۳۴	۲۹۶/۲	۲۲۰/۴	۲۲۹
۳۵-۳۹	۲۶۰/۵	۱۷۴/۳	۱۵۵
۴۰-۴۴	۱۱۳/۲	۸۱/۷	۶۲
۴۵-۴۹	۱۸/۸	۱۱/۸	۵
TFR نوارغزه	۶/۳۱	۶/۴۴	۵/۴۴
۱۵-۱۹	۷۹/۳	۱۹۵/۱	۱۴۴
۲۰-۲۴	۲۸۴/۲	۳۹۹/۶	۳۴۰
۲۵-۲۹	۲۹۹/۷	۳۸۵/۳	۳۴۷
۳۰-۳۴	۳۲۰/۶	۲۹۴/۵	۲۸۹
۳۵-۳۹	۲۶۱/۸	۲۴۴/۸	۲۳۰
۴۰-۴۴	۸۹/۲	۱۰۰/۳	۱۲۳
۴۵-۴۹	۱۹/۷	۷/۱	۵
TFR	۶/۷۷	۸/۱۳	۷/۴۱

منبع: برای سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۹۱ دولت  
اسرائیل سال ۱۹۹۶  
برای سال ۱۹۹۵  
<http://www.Pcbs2.org/english/Populati/tables5.htm>

#### یادداشتها و منابع

- 1- Protracted National conflict and Fertility change: Palestinians and Israelis in the twentieth century.
- 2- Population and Development Review 26(3): 441-482 (September 2000)
- ۳- (TFR) یا « مجموع فرزندان برای هر زن » عبارت است از مجموع تعداد فرزندی که یک زن بطور متوسط در طول زندگی به دنیا می آورد.
- 4- Balfour.
- 5- Ashkenazi Jews.
- 6- Sephardic Jews.
- 7- Place of Origin.
- 8- Belligerence.
- 9- Conflict.
- 10- Sharpening identities.
- 11- Nationalism.
- 12- (I. Kawaja et al.).

- 13- Others.
- 14- Ottom.
- 15- Ottoman empire.
- 16- (Haucraft commission of Inquiry in to the 1920-21 Arab Riots\_ hHp : I WW.us.- Israel. Orgljsorrcel History l haucraft. html ).
- 17- Anti – Semitism
- 18- White Paper.
- 19- United Nations Special committee on Palestine 1949.
- 20- State of Israel Statistical Abstract 1999. table 501.
- 21- Freidlander and Goldscheider (1978).
- 22- Bad human material.
- 23- Veru wild People.
- 24- Marriage- Market.
- 25- Intermarriage.
- 26- Compliance.
- 27- Replacement Level.
- 28- Pronatalism.
- 29- Pull Factors.
- 30- Pronatalism.
- 31- " birthing the nation".
- 32- Jacqueline Portugese .



نمودار شماره ۲

تولد در شمال آفریقا یا آسیا  
اسرائیل  
سطح جایگزینی تقریبی  
خارج از اسرائیل

تولد در اروپا یا امریکا

نمودار شماره ۳

مهاجرپذیری  
مهاجرفرستی

نمودار شماره ۴

ساکن در غزه  
ساکن در اسرائیل  
ساکن در ساحل غربی  
سطح تقریبی باروری

